

مبانی ایدئولوژی حاکمیت و تأثیر آن بر متون
و مواد درسی در عصر پهلوی اول



مبانی ایدئولوژی حاکمیت و تأثیر آن بر متون
و مواد درسی در عصر پهلوی اول

دکتر زهرا حامدی

فهرست‌نویسی پیش از انتشار کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

- سرشناسه: حامدی، زهرا، ۱۳۵۱.
عنوان و نام پدیدآور: مبانی ایدئولوژی حاکمیت و تأثیر آن
بر متون و مواد درسی در عصر پهلوی اول
زهرا حامدی
مشخصات نشر: ۱۳۹۴. نشر تاریخ ایران، ۳۶۰ ص.
شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۶۰۸۲-۴۳-۴ وضعیت فهرست‌نویسی: فیبا
موضوع: آموزش و پرورش -- ایران -- تاریخ -- قرن
موضوع: کتاب‌های درسی -- ایران -- تاریخ
موضوع: ایران -- تاریخ -- پهلوی ۱۳۲۰-۱۳۰۴
شناسه افزوده: نشر تاریخ ایران
رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۴ م ۲۴ ح / LA ۱۳۵۱
رده‌بندی دیویی: ۳۷۰ / ۹۵۵
شماره کتابشناسی ملی: ۴۰۳۰۶۲۱



نشر تاریخ ایران (شرکت سهامی خاص)

تهران، خیابان فلسطین، ساختمان ۱۱۰، طبقه سوم، شماره ۳۰۴، تلفن: ۶۶۴۶۳۰۳۰

مبانی ایدئولوژی حاکمیت و تأثیر آن بر متون و مواد درسی در عصور پهلوی اول
زهرا حامدی

حروفچینی، صفحه‌آرایی و نظارت: نشر تاریخ ایران
طرح جلد: فریبا علایی
لیتوگرافی: پارسیان

چاپ اول: ۱۳۹۴
تیراژ: ۱۰۰۰
شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۶۰۸۲-۴۳-۴
ISBN: 978-964-6082-43-4
قیمت: ۲۵۰۰۰ تومان
حق چاپ محفوظ و در اختیار نشر تاریخ ایران است.

به همسر مهربانم

و

به نوردیدگانم

علی و رها

فهرست مندرجات

۱۱	فصل اول: مقدمه
۱۷	فصل دوم: مبانی فکری و نظری حاکمیت پهلوی اول
۱۷	تمرکزگرایی
۱۸	دیدگاه‌های تمرکزگرایانه عصر پهلوی اول
۲۱	نمودها و مظاهر دیدگاه‌های تمرکزگرایانه
۲۵	زبان فارسی به عنوان ابزار تمرکزگرایی
۳۲	ناسیونالیسم
۳۵	پیشینه دیدگاه‌های ناسیونالیستی پیش از سلطنت رضاشاه
۴۵	دیدگاه‌های ناسیونالیستی در خلال سلطنت رضاشاه
۵۳	نمودهای دیدگاه‌های ناسیونالیستی
۵۷	سکولاریسم
۶۱	پیشینه دیدگاه‌های عرفی‌گرایانه
۶۶	نمودها و مصادیق دیدگاه‌های عرفی‌گرایانه
۷۲	غرب‌گرایی
۷۸	دیدگاه‌های غرب‌گرایانه اندیشه‌گران پس از جنگ جهانی اول
۸۳	نمودها و مصادیق دیدگاه‌های غرب‌گرایانه عصر پهلوی اول
۱۰۰	فصل سوم: ایدئولوژی حاکمیت پهلوی اول و نظام آموزشی
۱۰۷	انجمن معارف
۱۲۷	مردم - دولت و آموزش نوین

۱۴۴	مواد و متون درسی در دوران قاجار
	نظام آموزشی و گفتمان انتقادی اندیشه گران عصر پهلوی اول: تعلیمات
۱۴۷	ابتدایی بستریشرفت
۱۵۵	تمرکزگرایی در نظام آموزشی
۱۵۷	فرهنگستان
۱۶۰	سازمان پرورش افکار
۱۶۲	ایدئولوژی تمرکزگرایانه حاکمیت در شیوه تدوین برنامه تحصیلی
۱۶۳	مدارس و مقاطع تحصیلی
۱۶۸	تمرکزگرایی در شیوه تدوین کتاب های درسی و برنامه تحصیلی
۱۸۰	یکسان سازی با زبان فارسی
۱۹۳	ایدئولوژی غرب گرایانه حاکمیت در اعزام محصل به خارج
	ایدئولوژی ملی گرایانه، عرفی گرایانه و غرب گرایانه حاکمیت پهلوی در
۱۹۶	آموزش زنان
	پیشینه تاریخی تلاش زنان برای تأسیس مدارس دخترانه و موانع آنان در
۱۹۷	دوران قاجار
	آموزش زنان و رویکرد ملی گرایانه، عرفی گرایانه و غرب گرایانه حاکمیت
۲۰۵	پهلوی اول
	ایدئولوژی غرب گرایانه و ملی گرایانه حاکمیت و مواد درسی
۲۲۶	پیشاهنگی
۲۳۰	سرودهای مدارس

۲۳۵	فصل چهارم: ایدئولوژی حاکمیت پهلوی اول و متون درسی
۲۳۵	متون درسی تاریخ
۲۳۵	چگونگی تنظیم کتاب های تاریخ پیش از سلطنت رضاشاه
	ویژگی های متون درسی تاریخ در عصر پهلوی اول: رابطه دانش
۲۴۲	قدرت
	بافت زبانی، بافت موقعیتی تأثیرگذار بر کتاب های درسی مقطع
۲۴۴	دبستان
	بافت زبانی، بافت موقعیتی تأثیرگذار بر کتاب های درسی مقطع دبیرستان

۲۶۲

سال ۱۳۱۷: سالی شاخص در تدوین متون درسی تاریخ فارسی نویسی

۲۶۹

درسی

۲۷۵

فارسی نویسی درسی

۲۷۷

تبلور بافت موقعیتی در کتاب های فارسی دبستان

۲۸۰

کتاب های فارسی دبیرستان تا پیش از سال

تبلور بافت موقعیتی در کتاب های فارسی دبیرستان از سال ۱۳۱۷ به

۲۸۲

بعد

۲۹۶

جغرافی نویسی درسی

۲۹۶

جغرافی نویسی درسی پیش از سلطنت رضاشاه

۲۹۹

جغرافی نویسی درسی در دوران رضاشاه

۳۰۱

مقطع دبستان

۳۰۴

مقطع دبیرستان

۳۰۸

شرعیات (تعلیمات دینی)

۳۱۵

نتیجه

۳۲۱

کتابشناسی

۳۴۵

پیوست ها

۳۴۷

فهرست اعلام

مقدمه

نهاد آموزش یکی از با اهمیت‌ترین ارکان هر جامعه قلمداد می‌شود. این نهاد نقش به‌سزایی در توسعه و پیشرفت هر جامعه ایفا می‌کند و ضمن تأثیرگذاری بر نهادهای دیگر از جمله اقتصاد و سیاست از آن‌ها تأثیر می‌پذیرد. این نهاد در انتقال و حفظ میراث فرهنگی پیشینیان و تربیت نسل‌ها در تمامی جوامع نقش به‌سزایی دارد. تدوین برنامه و تعیین محتوای آموزشی که در اختیار نهاد آموزش است از طریق تدوین متن کتاب‌های درسی مستقیماً بر مخاطبان اثر گذاشته و افکار آنان را شکل می‌دهد. مواد درسی بنا به ویژگی‌های هر نظام متفاوت و نحوه تدوین آن نیز بر حسب شرایط زمانی و مکانی متفاوت است. در تمامی جوامع میان نهاد آموزش و حاکمیت رابطه‌ای تعاملی برقرار است و به دلیل وجود این ارتباط، حاکمیت در جهت پیشبرد مقاصد خود و تربیت نسلی مطابق با ایده‌ها و اهداف سیاسی‌اش تلاش می‌کند. در بررسی نهاد آموزش نخست باید ایدئولوژی اجتماعی حاکم بر جامعه و شیوه‌های اعمال اقتدار آن، مورد مطالعه قرار گیرد. به این دلیل که هدف‌های آموزشی جوامع مختلف بر اساس اهداف و ایدئولوژی حاکمیت استوار شده است. از این رو اساس نهاد آموزش به عنوان ابزاری در راستای اجرای اهداف حاکمیت درمی‌آید.

واقعیت امر این است که همه دولت‌ها اعم از متمرکز یا دموکرات به صورتی اجتناب‌ناپذیر ناگزیر از مشروعیت بخشیدن به موجودیت و اقتدار و

نیز حقانیت بخشیدن به نظام سیاسی خود هستند. تحقق این خواسته‌ها بیش از آنکه در گرو اعمال قدرت نظامی باشد، بسته به ایجاد یک ایدئولوژی مطلوب و ترویج آن در ذهن حکومت‌شوندگان دارد. در جوامع امروزی تشکیلات آموزشی با سازمان یافتگی پیچیده، کارآمدترین ابزار نهادینه کردن ایدئولوژی بر اذهان مردم به شمار می‌روند.



مناسبات سیاسی ایران با اروپا در قرن نوزدهم میلادی، زمینه‌آشنایی ایرانیان با اروپاییان را در ابعاد مختلف فراهم کرد. در این رهگذر، اندیشه‌گران و نخبگان ایرانی در مقایسه ایران با اروپا خواهان اصلاحات در زمینه‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی شدند. یکی از عرصه‌هایی که در این رویکرد مقایسه‌ای، مورد توجه نخبگان قرار گرفت، نظام آموزشی بود با تأسیس «انجمن معارف» و سپس ایجاد مدارس به شیوه نوین و متفاوت با شیوه مکتب‌خانه‌ای در یک دهه پیش از مشروطیت گام‌هایی برای دگرگونی در ساختار آموزشی برداشته شد. پیروزی مشروطیت و فعالیت نخبگان در مجالس این عصر به ویژه مجلس شورای ملی دوره دوم (۱۳۲۷-۱۳۲۹ق) اهمیت و ضرورت آموزش نوین و مسئولیت‌پذیری حکومت را در این حوزه بیشتر آشکار نمود. تصویت قانون اساسی معارف (فرهنگ) در ۱۳۲۹ق و به دنبال آن اجباری شدن تعلیم و تربیت، نخستین گام‌های حکومت در راستای قانون‌مندسازی آموزش بود. هر چند حوادث سیاسی، اقتصادی پس از مجلس دوم و جنگ اول جهانی، اجرای مصوبات آموزشی را به تعویق انداخت، اما تشکیل کابینه وثوق‌الدوله پس از این بحران‌ها، فرصت کوتاهی را برای اجرای برخی از مصوبات فراهم کرد. در سال ۱۲۹۹ش، پس از کودتای رضاخان مصوبات آموزشی بیش از گذشته مورد توجه دولت قرار گرفت. تشکیل شورای عالی معارف و افزایش مدارس، آخرین دستاورد عصر قاجار در روزهای پایانی خود بود.

با توجه به داعیه نوین سازی پس از روی کار آمدن رضاشاه، توجه به آموزش ملی - میهنی مورد توجه واقع شد و به عنوان یکی از اصلی ترین پایه های حکومت و به عنوان ابزاری در راستای رسیدن به اهداف نوین سازی قرار گرفت و ماهیت نظام آموزشی تفاوت یافت. این تمایز برگرفته از ویژگی ها و مبانی ایدئولوژی حاکمیت پهلوی و متضمن عناصری چون تمرکزگرایی، ناسیونالیسم، سکولاریسم و غرب گرایی بود، که محور کتاب^۱ حاضر است و تأثیرات شاخصه های حاکمیت دوران پهلوی اول بر تألیفات درسی را در حوزه علوم انسانی که مهم ترین کارکرد نظام آموزشی محسوب می شود، بررسی می کند. نگارنده در این بررسی شیوه تدوین کتاب های درسی و محتوای متن ها را تابعی از شرایط سیاسی، اجتماعی این دوره به شمار آورده است.

تمرکزگرایی در عرف سیاسی ایجاد یک دولت متمرکز و به دنبال آن دولت های مدرن را در پی دارد. از این رو، منظور حاکمیت پهلوی اول از تمرکزگرایی، یکسان سازی و ایجاد وحدت ملی بود. این رویکرد در آموزش و به ویژه متن ها و مواد درسی نهادینه شد. تمرکزگرایی دوره رضاشاه به ایجاد یک سیستم سیاسی واحد و رسمیت بلامنازع یک زبان واحد (فارسی) در تمامی نقاط کشور و حذف زبان های دیگر و تدوین کتاب های درسی معطوف بود.

از جمله شاخصه های ایدئولوژی ناسیونالیسم در دوره رضاشاه میهن دوستی، شاه پرستی، توجه به نژاد آریا و گذشته گرایی بود. در این دوره میهن دوستی در پیوند نزدیک با دیگر شاخصه های ذکر شده قرار گرفت و در شعار خدا، شاه، میهن تبلور یافت و در متن کتاب های درسی به ویژه درس تاریخ، خود را نشان داد.

سکولاریسم از دیگر شاخصه های ایدئولوژی حاکمیت پهلوی اول بود. در قرن هجده این پدیده پس از انقلاب صنعتی در اروپا بروز یافت. منظور از

۱. این کتاب پایان نامه دکتری نگارنده است که در دانشگاه الزهرا در سال ۱۳۸۸ دفاع شده است.

آن تفکیک کامل دین از سیاست بود. این مفهوم به جداسازی سیاست و کلیه امور اجتماعی از سیطره اندیشه و باورهای دینی نظر داشت. حاکمیت پهلوی اول از سکولاریسم در نظر داشت تا باورها و ارزش‌های دینی در بخش‌های مختلف اجتماعی، نقش تعیین‌کننده نداشته باشد. کاهش نقش روحانیت در عرصه‌های چون قضاوت و آموزش و سپردن آن‌ها به نیروهای تحصیلکرده جدید (که برخی از آنان تربیت یافتگان نهاد آموزشی همان عصر بودند) از جمله اقداماتی بود که در این راستا صورت پذیرفت.

جریان سکولاریزه کردن، بر متن کتاب‌های درسی تأثیر مستقیم داشت. کم‌رنگ کردن دین از طریق کاهش حجم دروسی نظیر تعلیمات دینی در مقاطع مختلف تحصیلی و اضافه نمودن متن‌های درسی غیر دینی نظیر پیشاهنگی از جمله راهبردهایی بودند که مورد استفاده قرار گرفت.

گرایش به اندیشه‌های غرب، تقلید آگاهانه از الگوهای غربی و اهمیت دادن به دانش نوین، از دیگر شاخصه‌های حاکمیت پهلوی اول بود. کتاب‌های درسی تحت تأثیر اندیشه غرب‌گرایی در دوره پهلوی مملو از شیوه‌هایی بود که سبک نوین زندگی اروپایی را تبلیغ می‌کرد.

پرسش این پژوهش این است که مبانی ایدئولوژی حاکمیت پهلوی اول شامل تمرکزگرایی، ناسیونالیسم، سکولاریسم و غرب‌گرایی چه تأثیری بر شیوه تدوین و محتوای متن‌های درسی (در حوزه علوم انسانی) گذاشته است؟ از این رو، پژوهش با هدف یافتن پاسخ پرسش مذکور، در چهار فصل تنظیم گردید.

فصل اول، مقدمه را دربر می‌گیرد.

فصل دوم، به مبانی فکری و نظری ایدئولوژی حاکمیت پهلوی اول اختصاص دارد. ارایه تعاریفی از شاخصه‌ها، بنیان‌های فکری و روشن ساختن دیدگاه‌های اندیشه‌گران و بیان مظاهر و مصادیق آن در دو حوزه نظر و عمل از مباحث این فصل به شمار می‌آید.

در فصل سوم، ضمن اشاره به پیشینه تاریخی نظام آموزشی، در دوره قاجار به بیان تأثیر ایدئولوژی حاکمیت پهلوی بر نظام آموزشی با طرح گفتمان

انتقادی آموزشی اندیشه‌گران این عصر پرداخته است. از دیگر مباحث این فصل چگونگی تأثیر ارکان سیاست‌گذار نظیر شورای عالی معارف (فرهنگ)، فرهنگستان و سازمان پرورش افکار در برنامه‌ریزی‌های درسی است. تأثیر ایدئولوژی تمرکزگرایانه بر شیوه تدوین کتاب‌های درسی و ترویج زبان فارسی به عنوان زبان واحد در تمامی سطوح آموزشی و در بین تمامی مدارس حتی مدارس میسیونری، اقلیت و مناطق مرزی از مقوله‌های دیگر این مبحث هستند. اعزام محصلان ایرانی به خارج از کشور و آموزش زنان به عنوان شاخصه‌ای از ایدئولوژی ملی‌گرایانه، عرفی‌گرایانه و غرب‌گرایانه حاکمیت، مطالب دیگر این فصل است.

مباحث فصل چهارم به آرایه نمودهای ایدئولوژی تمرکزگرایی، ناسیونالیسم، سکولاریسم و غرب‌گرایی (البته در شکل محدودتر) در کتاب‌های درسی تاریخ، فارسی، جغرافی و شرعیات پرداخته است. با استفاده از این شواهد، تأثیرپذیری متن کتاب‌های درسی از ایدئولوژی حاکمیت، مورد تحلیل قرار گرفته است.

در این پژوهش توجه نگارنده به بررسی کتاب‌های درسی دو مقطع تحصیلی دبستان و دبیرستان معطوف شده است. از آنجا که در عصر پهلوی اول، مقطع ابتدایی (دبستان) شش ساله بوده و مقطع دبیرستان دو بخش سه ساله را در برمی‌گرفت، در این پژوهش مقطع ابتدایی و سه ساله اول دبیرستان مورد توجه قرار گرفته و دوره سه ساله دوم به دلیل عدم ارتباط مطالب با ایران مورد پژوهش قرار نگرفت.^۱ همچنین در این پژوهش پنجاه کتاب درسی بررسی شدند که تقریباً نیمی از آن، کتاب‌های تاریخی است.

در تدوین این پژوهش از رویکرد پژوهش‌های تاریخی بهره گرفته شده است. در این راستا، نگارنده مبنای استخراج مصادیق خود را شاخصه‌های عصر پهلوی اول قرار داده و این شاخصه‌ها در اصلی‌ترین منابع این پژوهش

۱. در این مورد (عدم ارتباط مطالب با ایران) در کتاب‌های جغرافیایی به مراتب بیشتر مشاهده شده است.

یعنی کتاب‌های درسی مورد بررسی قرار گرفته است. در این بررسی به محتوای متن‌های درسی و همچنین به شرایطی که به لحاظ فکری، سیاسی و اجتماعی بر نگارش متن‌ها تأثیرگذار بوده‌اند، توجه شده است. تجزیه و تحلیل‌ها با بهره‌ای آزاد از نظریات آلتوسر جامعه‌شناس فرانسوی (۱۹۱۸-۱۹۹۰م) انجام یافته^۱ و از روش تحلیل انتقادی گفتمان به واسطهٔ واژگان به کار رفته در متن‌ها و آفرینش فرهنگی خاص با الهامی آزاد استفاده شده است.

در روش تحلیل انتقادی گفتمان هم به تأثیر بافت متن و هم به بافت موقعیتی توجه می‌شود. در بافت متن به واژگان به کار رفته در یک متن توجه می‌شود و در بافت موقعیتی عوامل اجتماعی، سیاسی و فرهنگی مؤثر بر متن مورد توجه قرار می‌گیرد.^۲

در بررسی مطالب این پژوهش از لابلای متن‌ها، تأثیر ایدئولوژی حاکمیت پهلوی اول و سیر تغییر و تحول متن بر پایه تأثیری که از حاکمیت پذیرفته، هم به گونه جزئی در سال‌های مختلف و هم به صورت کلی طی شانزده سال حکومت رضاشاه ارایه شده است.

در پایان سپاس ویژه دارم خدمت استاد ارجمندم سرکار خانم دکتر منصوره اتحادیه که همواره از راهنمایی‌های سخاوتمندانه و ارزشمندشان بهره‌مند بودم. بی‌شک اگر تلاش ایشان نبود پژوهش حاضر به زیور طبع آراسته نمی‌شد.

از کمک و همراهی‌های همهٔ دوستانی که ذکر نام تمامی آنان سیاههٔ بلندی خواهد شد سپاسگزارم. به‌ویژه سرکار خانم سیمین فصیحی و سرکار خانم دکتر زهرا علیزاده و دوستان نشر تاریخ ایران نیز کمال امتنان و سپاس را دارم.

1. Louis althusser, *Ideology and the Ideological State Apparatuses, Social theory: the Multiculture and classic readings*, edited with commentaries, by Charles Lerner westview Press (2004), p317.

۲. بهرام‌پور، شعبانعلی، «درآمدی بر تحلیل گفتمان»، محمدرضا تاجیک، گفتمان و تحلیل گفتمانی، چاپ اول، انتشارات فرهنگ گفتمان، تهران، ۱۳۷۹، ص ۵۲.

مبانی نظری و فکری حاکمیت پهلوی اول

ایدئولوژی حاکمیت پهلوی اول با ادعای نوین سازی بر مبنای تمرکزگرایی، ناسیونالیسم، سکولاریسم (عرفی گرایی) و غرب گرایی استوار بود. این عناصر در حوزه های مختلف از جمله آموزش و تألیفات و تدوین کتاب های درسی خود را نشان داد. از آنجا که تار و پود حاکمیت (دولت) پهلوی اول با چنین مبانی ای تنیده شده بود، به منظور بررسی تبلور این مبانی در کتاب های درسی (که اصلی ترین مبحث این پژوهش می باشد) لازم است ابتدا به شاخصه های این دوره پرداخته شود تا دریافتی رسا از محتوای متون به دست آید. به منظور تبیین شاخصه های مذکور تلاش نگارنده معطوف به ارائه تصویری روشن و بی طرفانه از شیوه تدوین نگارش کتاب های درسی آن عصر خواهد بود.

تمرکزگرایی Centralization

تمرکزگرایی به معنای تمرکز حکومت و اقتدار سیاسی در پایتخت و در سطح ملی، نقطه مقابل توزیع قدرت ها و مسئولیت ها میان مراجع ملی، منطقه ای و محلی است^۱ بر اساس این تعریف، حکومت متمرکز تمامی

1. Robertson, David, , *A Dictionary of modern politics*, Third edition, Europa

قدرت خود را به کار می برد تا با تجمع قدرت در مرکز، بر سایر نقاط کشور در ابعاد مختلف تسلط یابد. از ویژگی های دولت مطلقه، تمرکز قدرت قانونگذاری و اجرایی، پیدایش دستگاه های اداری و نظامی عظیم و نوسازی قضایی مالی و دیوانی است.^۱

در دولت های مطلقه نهادهای نمایندگی و پارلمان جنبه صوری و ظاهری دارند و قدرت اساساً دارای خصیصه بوروکراتیک است. از جمله دستاوردهای عمده ای این گونه دولت ها، مقابله با تجزیه طلبی اشراف و گروه های قدیمی قدرت، ایجاد دستگاه اداری و مالی و نظامی متمرکز، نوسازی مالی، ایجاد تمرکز و وحدت اقتصادی، تشویق به سرمایه گذاری خصوصی و حمایت گمرکی رامی توان نام برد.^۲ در اروپا این شرایط، زمینه برای انباشت سرمایه فراهم آورد و به سرمایه داری تبدیل شد،^۳ اما در ایران، دولت مطلقه به مرحله انباشت سرمایه نرسید. بنابراین، اگر در اروپا دولت مطلقه بستر و زمینه تشکیل حکومت های دیگر را ایجاد نمود در ایران چنین اتفاقی نیفتاد. با این وجود، این عصر که با عصر پیش از خود (قاجار) تفاوت بنیادی داشت بنیان حاکمیت متمرکز را تأسیس نمود.^۴

دیدگاه های تمرکزگرایانه عصر پهلوی اول

بیش زمینه فکری مبارزه با تمامی چند پارگی ها به دوران پس از جنگ جهانی اول بازمی گشت. در آثار اندیشه گران، نام حاکمیت مقتدر در کنار ایجاد تمرکز و حکومت متمرکز برده شد. از جمله پیش شرط های ترقی و پیشرفت منوط به وجود این حاکمیت بود. این مساله در مجله کاوه که توسط ایرانیان در برلین منتشر می شد، انعکاس یافت.

Publication, (2004), p 59.

۱. بشیریه، حسین، جامعه شناسی سیاسی، نشر نی، تهران، ۱۳۷۶، صص ۳۰۳-۳۰۱.

۲. همان، ص ۳۰۳. ۳. همانجا.

۴. هلیدی، فرد، دیکتاتوری و توسعه سرمایه داری در ایران، ترجمه فضل الله نیک آیین، انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۵۸، ص ۲۴.